

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

پروفیسر داکتر یار محمد
ورجنیا، نوامبر، ۲۰۰۸

تبارز امراض روانی در پناهندگان افغان

طوریکه به همه معلوم است از سه دهه به این طرف میلیون ها هموطن ما تحت فشار های سیاسی، ظلم و جور دولت های دکتاتوری، حملات و بمباردمان های خارجی و شکنجه و کشتار های عمال مزدور داخلی و بیگانگان؛ وطن، خانه و کاشانه خود هارا مجبوراً ترک نموده و آواره کوه و دشت گردیده و عده ای توانسته اند در ممالک بیگانه به صفت پناهنده به زندگی پر رنج و ملال اقامت اختیار نمایند. پناهندگان مذکور در عالم بیگانگی از کلچر، لسان، دین و مذهب ممالک میزبان، دست و پاچه گردیده و کوشیدند تا زمینه تطابق خود را در محیطی که با آن کاملاً نا آشنا بودند، مهیا سازند. این تلاش ها طبعاً به آسانی برایشان میسر نگردیده، زندگی فلاکتبار، غربت، فقر غذایی و میسر نبودن شرایط حفظ الصحة بالایشان فشار های شدید روحی وارد نموده، صحت روحی و جسمی شانرا به مخاطره کشانید که اکثر شان در اثر خرابی وضع اقتصادی و عدم دسترسی به داکتر و ادویه و عدم تشخیص درست امراض شان، وضع شان به صورت عموم رو به خرابی گذاشته و حتی اکثر شان زندگی شیرین خود را در عالم غربت و مسافرت از دست دادند. از نظر عقلی و عصبی در بین پناهندگان امراضی تبارز نموده که حتا در موجودیت احصائیه های بسیار محدودی که در دسترس است، میتوان این امراض را ذیلاً دسته بندی نمود :

اول : P.T.S.O. post Traumatic Stress Syndrome : این عبارت از یک نوع مریضی روحی میباشد که در اثر مواجه شدن به فشار های شدید روحی از قبیل تهدید، شکنجه، توهین و حقارت، تجاوزات جنسی، بمباردمان ها و بعضاً سیل و زلزله و آفات طبیعی دیگری مانند سونامی به وجود می آید. ضرورتیست که این فشار ها را خودش تحمل کرده باشد، حتا مشاهده زجر و شکنجه و درد و رنج خویش، اقارب، رفقا و هموطنان نیز این مریضی را بار آورده میتواند. این نوع مریضان خود را در مقابل حادثات فوق عاجز و بی دفاع تصور نموده همیشه خطرات رنج آور گذشته را به یاد آورده و خواب های ترسناکی می بینند، طوریکه بعضاً به حالت شوک روحی از خواب بیدار گردیده و فکر میکنند که حادثات مذکور دوباره بالایشان ظهور نموده است. این عارضه باعث آن میشود که شخص از زندگی اجتماعی دوری اختیار نموده و حتا از شنیدن و مورد بحث قرار گرفتن و مشاهده حادثات مشابه در تلویزیون نیز دچار وحشت گردد. این ها همیشه از زندگی ناراض بوده و متاثر و غمگین به ملاحظه میرسند، حافظه خود را تدریجاً از دست داده از هیچ نوع مراسم خوشی و فامیلی احساس خوشی و لذت نمیکند، بلکه فکر مینمایند که از جهان بیگانه شده و به هیچ کس دیگری ارتباط نداشته از همه احساس بیگانگی میکنند، حتا بعضی ازین نوع مریضان آرزوی کار، تحصیل علم و ورزش و ازدواج را از دست میدهند. اینها به طور عموم مو دماغ بوده مسائل بسیار جزئی آنها را تخریش و عصبانی میسازد، حتا بدون کدام سبب و دلیل به صورت قهر و غضب بالای خود و دیگران به سر میبرند. از نظر تداوی، پرسونل فنی که با این مریضان سر و کار دارند کوشش میکنند که با آنها احساس مصونیت بدهند، آنها را تشویق مینمایند که بدون خوف و هراس به صورت بسیار آزادانه در مورد حادثات گذشته سخن بزنند تا روحاً تقویه گردیده و طوری به شخص معالج خود اطمینان حاصل کنند که تمام راز های زندگی خود را در میان بگذارند، چون،

این مریضان همیشه خود را گنهکار احساس میکنند و فکر خود را جمع کرده نمیتوانند و به کدام مشغله و کاری دلچسپی نشان نمیدهند، ازینرو باید این حالات او تغییر داده شود.

متخصص معالجه مریض را تشویق و کمک میکند تا شرایط تحصیل را فراهم نموده و به کدام کار در زندگی مصروف شده دوباره داخل اجتماع گردد. ناگفته نماند که در پهلوی تداوی های روحی امروز برای این نوع مریضان تداوی های دوائی نیز در دسترس است. داکتر معالجه، مریضان خود را تشویق مینماید تا خود را گنهکار احساس ننموده و در مورد خاطرات گذشته خود بدون ترس و احساسات سخن بزنند و این هارا از طریق تلویزیون، رادیو و دیگر وسایلی که در دسترس است، تشویق مینماید، تا به صورت مثبت فکر نموده و خود را از حالت قهر و غضب خارج سازند و سعی نمایند تا خاطرات تلخ گذشته را فراموش کنند.

دوم: مریضی دیگری که در بین پناهندگان اکثراً به وجود می آید عبارت از تشویش یا Anxiety میباشد. این نوع مریضان دچار تشویش دایمی بوده و همیشه در مورد آن فکر میکنند و آینده خود را بسیار تاریک احساس نموده، مسایل بسیار کوچک را بسیار بزرگ احساس نموده، روزها و حتاً ماهها به چرت و فکر و تشویش میگذرانند و هیچ وقت این نوع افکار را از خود دور نتوانسته، از خود ناراض و دق و خفه میباشد که در نتیجه خوابشان مختل میشود و یک عده به ادویه مخدره و مشروبات الکھولی و غیره دچار میگرددند. این نوع مریضان باید توسط متخصص عقلی و عصبی تحت مشاهده قرار بگیرند تا از نگاه روحی و روانی معالجه شوند.

سوم: نوع سوم مرض دقیت یا Depression [افسردگی] است که نه تنها در پناهندگان بلکه در بین مردمان عادی نیز تبارز نموده میتواند. اما در بین آوارگان و پناهندگان اشکال شدید تر و دوام دار تر آن تظاهر میکند که آنها همیشه خود را نا آرام و ناراضی احساس نموده اکثر اوقات گریه میکنند و غذا نمیخورند، بیدار خوابی دارند که در اثر آن تدریجاً وزن خود را از دست داده و لاغر میشوند. برخلاف بعضی از آنها زیاد غده میخورند و هم زیاد میخوابند و چاق میگرددند. بعضی های دیگر چپ و گوشه گیر و آرام بوده و برخلاف یک عده دیگر آنها فوق العاده حساس گردیده، با اندک واقعه ای فوق العاده قهر و غضب برایشان دست میدهد. این مریضان تمرکز فکری نداشته و فیصله های معقول کرده نمیتوانند که بعضاً به خود کشی میپردازند که این خراب ترین حالت مریضی دقیت است. از نظر تداوی، خوشبختانه بر علاوه مداوی روحی، یک تعداد ادویه ضد دیپریشن در مارکیت های جهان عرضه گردیده است که با استفاده از آنها میتوان این نوع امراض را تاحدی تداوی نمود.